

# ظرفیت ها و چالش های اجرای اقتصاد اسلامی

دکتر یداله دادگر\*

تاریخ وصول: ۸۳/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۸۳/۱۱/۲۰

## چکیده

در این مقاله پس از ارائه مفاهیم مقدماتی، زمینه ها و موانع اصلی جهت اجرای اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد. هدف اصلی این مقاله توصیف و توضیح چالش های موجود اقتصاد اسلامی و بیان ظرفیت بالقوه آن می باشد. روش کار به صورت مطالعه کتابخانه ای و بررسی عمده‌تاً تحلیلی توصیفی است. این مقاله نشان می دهد که با وجود ظرفیت اجرایی مناسب اقتصاد اسلامی، کارکرد واقعی آن غیر قابل قبول بوده است. همچنین عوامل ناکارآمدی اجرایی آن جنبه برون زا داشته است و ارتباطی با ساختار تئوری مربوطه ندارد.

واژه های کلیدی: چالش های اقتصاد اسلامی، ظرفیت های اقتصاد اسلامی، اجرای اقتصاد اسلامی

## ۱- مقدمه

بحث نظری از اقتصاد دینی به طور کلی و اقتصاد اسلامی به طور خاص، بویژه پس از دهه ۱۹۷۰ به میزان قابل توجهی وارد ادبیات اقتصاد گردیده است. در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و دهه اول قرن ۲۱، حجم بیشتری از این ادبیات، مدون شده است اگر چه، بخش هایی از نوشته های یاد شده از غنای علمی قابل دفاعی برخوردار نیستند؛ ولی در هر صورت تقاضا برای دریافت مطالب در این عرصه قابل توجه و رو به گسترش است و عرضه متناسبی می طلبد. طرح سؤالات جدی پیرامون ابواب اقتصاد دینی و درخواست پاسخ در این مورد، از سوی اقتصاددانان و محققان و سایر علاقه مندان، تقاضای نوشتن پایان نامه ها و رساله های دانشجویی در دانشگاه های کشورهای اسلامی و حتی برخی از

\* استادیار اقتصاد دانشگاه مفید قم

کشورهای غیر اسلامی، راه اندازی کارگاه ها، سمینارها و کنفرانس های علمی، تعریف گرایش آموزشی، دوره و حتی رشته اقتصاد اسلامی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری، تنظیم طرح های پژوهشی، شکل گیری انجمن های علمی در سطوح ملی و بین المللی، راه اندازی نشریات تخصصی، پیشنهاد دوره های فوق دکتری و امثال آن، همه و همه حاکی از گسترش جایگاه و اهمیت این شعبه از اقتصاد و ضرورت تلاش وسیع تر در این عرصه می باشد. خلاصه، موقعیت ادبیات اقتصاد دینی و اقتصاد اسلامی از بعد نظری و شناخت کلی، به وضعیت نسبتاً قابل قبولی رسیده است و در عین حال برای تعمیق، گسترش و تکامل این مطالب در عرصه نظری نیز هنوز جای کارهای اساسی فراوانی وجود دارد. در زمینه های چيستی اقتصاد دینی و اقتصاد اسلامی و همچنین چگونگی ابعاد و عناصر اصلی آن، همچنین در ترسیم و پیوند علمی و عملی آنها با اقتصاد متعارف و در نظریه پردازی و سنجش نظریه های آن، جای مطالعات بیشتری وجود دارد.

در کنار مطالعات نظری و حتی در مواردی در راستای ارزیابی اعتبار و کارآمدی آنها، مقوله اجرای مفاد عام یا خاص اقتصاد دینی و اقتصاد اسلامی نیز از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. اصولاً تا تئوری های هر رشته علمی زمینه آزمون تجربی مناسب پیدا نکند، حتی ابعادی از استحکام علمی آنها نیز مشخص نخواهد شد؛ از سوی دیگر فواید سیاست گذاری و فواید عملی تئوری های علمی از اهداف کلیدی آنها محسوب می گردد. امکان اجرا و چگونگی اجرای تئوری ها، خود پروژه ای با اهمیت است و در تداوم اعتبار علمی و آموزشی آنها، جایگاهی محوری دارد. بنابراین بحث از اجرا یا عدم اجرای مفاد تئوری اقتصاد دینی به طور کلی و اقتصاد اسلامی به طور خاص، هم اهمیت نظری دارد و هم دارای ارزش سیاست گذاری است. مقوله اجرای اقتصاد اسلامی با وجودی که در بسیاری از ابعاد در کشورهای اسلامی با سؤالات فراوانی روبرو بوده است، و جای بحث و بررسی بیشتری دارد، اما حداقل به صورت ظاهر، انگاره هایی از آن به صورت کارآمد یا ناکارآمد به شکلی فرعی، فردی و غیر رسمی یا حتی به صورتی رسمی، در عرصه عمل وارد شده است. این انگاره ها ممکن است در یک قالب نسبتاً سازمان یافته و مرتبط با دیگر ابعاد اقتصاد اسلامی و سایر زیر سیستم های آن، شکل گرفته باشد یا تنها به عنوان یک پدیده مستقل و جدا شده از دیگر ابعاد پیاده شده باشد. می توان آزمون ابعادی از ملاحظات مالی و پولی از منظر فقهی، عناصری از ابزارهای مالیاتی و نمادهایی از

رفتارهای انفرادی مسلمانان، شکل گیری عملی برخی نهادها، مظاهری از قوانین کشوری و نظایر آن را در این رابطه برشمرد.

اجرا یا ادعای اجرای بانکداری بدون ربا در بسیاری از کشورها (پرسلی، ۱۹۹۹) شکل گیری رفتارهای مصرفی مطابق با نگرش دینی (دادگر و عزتی، ۱۳۸۱)، نگرش اسلامی (زرقا، ۱۹۸۳)، عدم اتلاف و اسراف، عدم مصرف کالاهای ممنوع مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر و عدم ارتکاب فعالیت های ممنوع دیگری مانند قمار، دزدی و غصب در قالب رفتارهای فردی مسلمانان، رفتار بخصوص صاحبان برخی بنگاه ها مانند دوری از معاملات ربوی و معاملات مبتنی بر رشوه و رانت غیر موجه (صدیقی،<sup>۱</sup> ۱۹۷۹)، رعایت عدالت در پرداخت دستمزدها، وضع قیمت متعادل توسط این نوع بنگاه ها و امثال آن، عدم گرایش به دروغ و قسم خوردن در معاملات (چدري،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹) پرداخت الزامات مالی شریعت مانند زکات، خمس، صدقات و نظایر آن، توجه عملی به راه اندازی وقف، قرض الحسنه، مضاربه و مانند آن،<sup>۳</sup> تدوین مقررات مربوط به ارث، راه اندازی مؤسسات خیریه مالی برای کسب پاداش اخروی و وضع مقرراتی در راستای اجرای احکام شریعت در برخی از کشورهای اسلامی (اوردینوس،<sup>۴</sup> ۱۹۸۰) از این نمونه می باشد؛ اما همانطور که اشاره شد، با این وجود، هنوز اجرای معنی دار، قابل قبول و کارآمدی از اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است. این موضوع هم از ظرفیت مبنایی برخوردار است و هم با موانع و چالش های زیادی مواجه است. وظیفه این مقاله نگاهی عمومی به این موضوع است. مطالب را در دو بخش مجزا ادامه می دهیم. در بخش دوم به زمینه های اجرای اقتصاد اسلامی اشاره می شود و در بخش سوم، دشواری ها و موانع اجرای آن مورد کنکاش واقع خواهد شد. شاید بتوان اهداف اصلی این پژوهش مقدماتی را در قالب طرح، تحلیل و

<sup>۱</sup> Siddiqi

<sup>۲</sup> Choudhury

<sup>۳</sup> در اینجا شایسته است از کارآفرینان متعددی چون استاد عالی نسب ها نام برده شود که افتخار می کنند بنگاه دارانی مسلمان هستند و در راستای تولید و اشتغال قدم بر می دارند. استاد عالی نسب خود به این امر می بالد که یک ریال از طریق غیر مولد به دست نیاورده و بجز تولید، حتی به تجارت هم مبادرت نکرده است. این پیرمرد عرصه تولید و اشتغال، افتخاری است بر بنگاه داری دینی و اسلامی و موجب تقویت شرافت ملی و ثبات اقتصاد آن می باشد. نامبرده در سال ۱۳۸۰ جایزه اول (نشان ملی) کار و تولید ایران را از دست رئیس جمهور وقت (آقای خاتمی) در یافت نمود. این حداقل تجلیلی بود که در مورد این انسان شریف صورت گرفت (مؤسسه تحقیقات و توسعه، ۱۳۸۳).

<sup>۴</sup> Ordinance

احیاناً پاسخگویی به مجموعه سؤالاتی قلمداد نمود که در زیر به مهمترین آنها اشاره می شود.

### ۱-۱- سؤالات اصلی

۱- آیا اقتصاد اسلامی همانند دیگر شعبات اقتصاد متعارف، ظرفیت تولید نظریه های قابل مقایسه، پویا و قابل رقابت را دارا می باشد؟ در صورت وجود چنین ظرفیتی، آیا می توان نمونه های استخراج شده ای را در این ارتباط بیان کرد؟ در این صورت شاخص های مقایسه دو مجموعه نظریه مذکور کدام است و نمونه عملیاتی این مقایسه چگونه است؟

۲- با فرض استخراج تئوری های اقتصادی قابل رقابت در اسلام، آیا این نظریه ها قابلیت اجرا دارند؟ آیا قابلیت اجرای نظریه اقتصاد اسلامی با نظریه های اقتصاد متعارف یکسان است؟ چگونه؟

۳- آیا داشتن یا نداشتن مفهوم معینی از اقتصاد اسلامی در میان کارگزاران اقتصادی جوامع مربوطه، با اجرا یا عدم اجرای اقتصاد اسلامی ارتباط دارد؟ با این اوصاف آیا چنین تصویری در ذهن کارگزاران مذکور در کشورهای اسلامی شکل گرفته است؟

۴- آیا تا کنون سرمایه گذاری کافی در زمینه استخراج نظریه های اقتصاد اسلامی و آزمون آنها در جوامع مختلف (اسلامی یا غیر اسلامی) صورت گرفته است؟ در این رابطه میزان این سرمایه گذاری در مقایسه با میزان مربوطه در اقتصاد متعارف چگونه بوده است؟

۵- آیا لازم است برای اجرای اقتصاد اسلامی، تدابیری بخصوص در نظام آموزشی کشورها اندیشیده شود؟ و آیا نباید نظام آموزش رسمی در زمینه اقتصاد با اقتصاد مورد اجرا در جامعه سازگاری کافی داشته باشد؟ با توجه به این امر در حال حاضر پیوند نظام آموزش رسمی در اقتصاد و نظام اجرایی مربوطه در کشورهای مسلمان (و به طور خاص ایران) چگونه است؟

۶- آیا لازم نیست که ابعاد اقتصادی قوانین اساسی یا قوانین عادی کشورها با نظریه اقتصادی مورد توجه آنها سازگاری کافی داشته باشد؟ آیا چنین وضعیتی در رابطه با اقتصاد اسلامی وجود دارد؟ ابعاد و میزان عناصر مذکور کدام است؟

- ۷- آیا عناصر فرهنگ ساز در شکل‌گیری ذهنیت اقتصاد اسلامی در میان خانوارها، بنگاه‌ها و دولت مردان مؤثر هستند؟ با این وجود آیا نظام رسمی تبلیغات و آموزش عمومی کشور (که هزینه‌های آن از بودجه عمومی تأمین می‌گردد) در نهاد سازی و فرهنگ سازی اقتصاد اسلامی اقداماتی کارساز انجام داده است؟
- ۸- آیا گروه‌های آموزشی و پژوهشی اقتصاد و اساتید و محققان این رشته در کشورهای مختلف می‌توانند در نهادینه سازی و تثبیت و اجرای ابعادی از اقتصاد مورد نظر مؤثر باشند؟ آیا سازمان‌های یاد شده در کشورهای اسلامی در ارتباط با اقتصاد اسلامی، نقش و سهمی کافی داشته‌اند؟ مقایسه چنین پیوندی در مورد کشورهای اسلامی و غیر اسلامی چگونه است؟<sup>۱</sup>
- ۹- آیا مدرسان دروس اقتصادی، مدیران و سیاست‌گذاران بخش‌های اقتصادی و مراکز پژوهشی و آموزشی غیر دولتی (NGO ها) می‌توانند در اجرای اقتصاد و اقتصاد اسلامی نقش آفرین باشند؟ مدرسان، مدیران، سیاست‌گذاران و مراکز علمی در کشورهای اسلامی چه نقشی در این رابطه به عهده گرفته‌اند؟
- ۱۰- آیا بین پیشرفت علمی در یک رشته خاص و کسب درجه تخصص و فوق تخصص در آن رشته و تقاضای مؤسسات رسمی و غیر رسمی برای استفاده از این تخصص، رابطه معنی داری وجود دارد؟ در این صورت اقدامات انجام شده و ظرفیت‌های مورد نظر در مورد اقتصاد اسلامی کدامند و از چه خصوصیات برخوردار هستند؟
- ۱۱- آیا رفتار یا کارکرد مدعیان یک اندیشه بر پیش‌برندگی و یا عقب ماندگی کارکرد مربوط به آن اندیشه تأثیر می‌گذارد؟ کارکرد مدعیان اندیشه دینی در ایران و دیگر جوامع اسلامی در این رابطه چگونه است؟
- ۱۲- آیا سازگاری یا ناسازگاری دیگر زیر سیستم‌های اقتصادی با نظام اقتصادی جامعه به طور کلی، و سازگاری درونی عناصر خود نظام اقتصادی به طور خاص بر پیشرفت و موفقیت علمی و عملی آن نظام مؤثر است؟ در مورد اجرای اقتصاد اسلامی، این همراهی درونی و سازگاری بیرونی وجود داشته است؟ در آن صورت مصادیق و شواهد آن کدام هستند؟

<sup>۱</sup> مراجعه به متون درسی اقتصادی، محتوای مقالات و پروژه‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، شاخص مقایسه‌ای بسیار رسایی از فرایند یاد شده می‌باشد.

## ۲- ظرفیت ها و زمینه های اجرای اقتصاد اسلامی

در این بخش فهرست وار به مهمترین توان ها و شرایط اولیه جهت اجرای اقتصاد اسلامی اشاره می کنیم.

### ۲-۱- پیوند با آرمان ها و شعارها

یکی از زمینه های اساسی برای موفقیت و تثبیت یک تفکر و شکل گیری یک رشته علمی در بستر عمل و در درون جامعه، وجود پیوستگی آن رشته با آرمان ها و ایده آل های مردم آن جامعه می باشد. به عبارت دیگر شکل گیری یک نظام خاص مثل اقتصاد اسلامی و غیر آن، نوعی تحول اجتماعی نیز محسوب می گردد. صاحب نظران تئوری تحولات اجتماعی معتقدند که در فرایند تحولات یاد شده، وجود پیوستگی آرمانی با تغییرات مورد نظر امری کارساز می باشد (سملسر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸). تکیه بر یک زندگی شرافتمندانه، اتکاء بر توانمندی های داخلی، مبارزه با فقر و بیکاری، محو فعالیت های مبتنی بر رشوه، ربا، اختلاس و سایر مفاسد اقتصادی به همراه رعایت قواعد بازی با اقتصاد جهانی، همواره از مهمترین و اولین شعارها و آرمان های مردم و رهبران نظام های اسلامی بوده است (مجموعه مقالات اولین سمینار اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۱) که قهراً زمینه مثبتی محسوب می گردد.

### ۲-۲- فرض اقتصاد عادلانه و کارآمد

یک انگیزه اساسی و زمینه علمی مهم برای اجرای اقتصاد اسلامی، پیوند عادلانه بودن و کارآمد بودن نظریه های آن است. این موضوع در عین حال یک چالش مهم در عرصه اقتصاد متعارف نیز می باشد (سینگر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲). حصول عملی به این امر باید مورد استقبال همگان (مسلمان و غیر مسلمان) واقع گردد؛ از سوی دیگر برخی از صاحب نظران اقتصاد اسلامی تحقق عدالت را مهمترین و برخی دیگر آن را یکی از مهمترین اصول اقتصاد اسلامی می دانند. اینها هم پشتوانه نظری این مسأله را مطرح می کنند (صدر ۱۹۸۵) و هم تجربه صدر اسلام و دوران تمدن اسلامی را به عنوان شاهدهی بر این مدعا ذکر می نمایند (کوران، ۱۹۷۷). برخی دیگر از مدافعان و نویسندگان اقتصاد

<sup>۱</sup> Smelser

<sup>۲</sup> Singer

اسلامی، جایگاه عدالت را در اسلام تا حد شاخص دین داری، تعالی می‌بخشند (مطهری، ۱۳۶۲) و برخی دیگر حکومت اسلامی را نیز ابزاری برای تحقق عدالت تلقی می‌کنند (امام خمینی، بدون تاریخ). سرانجام برخی از دیگر متفکران مسلمان عقیده دارند که اگر یک سیستم سازگارد اقتصاد کشورهای اسلامی طراحی گردد، بین عدالت و کارایی نه تنها تعارضی وجود ندارد، بلکه نوعی همراهی کارساز هم وجود خواهد داشت (ابن خلدون، بدون تاریخ).

### ۲-۳- ظرفیت تولید یک اقتصاد اخلاقی

یک زمینه دیگر برای ظهور و بروز اقتصاد اسلامی در صحنه عمل، ظرفیت ایجاد یک اقتصاد اخلاقی است. به عقیده گروهی از اقتصاد دانان برجسته، یکی از دشواری‌های قرن بیستم جدا شدن اخلاق از اقتصاد است که خود باعث ایجاد ناکارآمدی زیادی در پارادایم مسلط اقتصاد متعارف شده است. برخی از اندیشمندان عقیده دارند که اقتصاد اصولاً از اخلاق تولید شده و تداوم آن نیز به همراه اخلاق کارساز خواهد بود (سن، ۱۹۹۴). آدام اسمیت<sup>۱</sup> که به پدر علم اقتصاد مشهور است، اولین زمینه‌های تدوین اقتصاد را با کتاب نظریه عواطف اخلاقی آغاز کرد (اسمیت، ۲۰۰۲). در دهه اول قرن ۲۱ توجه جدیدی به اقتصاد اخلاقی در حال شکل‌گیری است (کاسلوسکی، ۲۰۰۱). از سوی دیگر اقتصاد دینی و اسلامی بیشترین ظرفیت اخلاقی را در خود دارد، چون بنیان‌گذار این دین یعنی پیامبر اسلام، به گونه‌ای بر اخلاق تکیه دارد که گویی تنها هدف وی تحقق اخلاق بوده است (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق). از این رو، طراحی و اجرای یک اقتصاد اخلاقی هم در کشورهای اسلامی پذیرش ملی دارد و هم در صورت سامان‌دهی الگوهای استانداردی از آن، کاربرد بین‌المللی خواهد داشت.

### ۲-۴- زمینه‌های حقوقی و قانونی

قوانین شریعت در قالب فقه، حداقل در امور معاملات به صورتی وسیع و گسترده وارد شده و به ابعاد و جزئیات آن پرداخته گردیده است. با وجودی که همه ابعاد اقتصاد اسلامی را نمی‌توان منطبق بر فقه دانست، اما پیوندهای بسیار وسیعی بین این دو

<sup>1</sup> Smith

<sup>2</sup> Koslowski

معرفت وجود دارد. از سوی دیگر برای تحلیل سازگاری یا عدم سازگاری برخی از مسائل جدید اقتصادی با شریعت اسلامی، نیاز به تحلیل فقهی است. علاوه بر این کاربرد اجتهاد، جهت پویایی بخشی به نظریه های اقتصاد اسلامی نیز بسیار کلیدی می باشد و در عین حال ابوابی از حقوق مصرف کننده (مانند بحث خیارات مکاسب) و ابعادی از احکام بنگاه در فقه وجود دارد که با تنظیم نوعی از کاربرد آن به صورت فنی و نظام مند می توان بخش هایی از رفتار کارگزاران اقتصادی (بخصوصی بنگاه ها و خانوارها) را توجیه کرد یا به سمت و سوی خاصی هدایت نمود (شیخ انصاری، ۱۴۲۰). توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین برخی دیگر از کشورهای اسلامی (قحف،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰) به ابعاد اقتصاد مورد نظر اسلام و بخصوص به عناصر نظام سازی چون عدالت، قسط و مخالفت صریح با اقتصاد های مبتنی بر ربا و رشوه و اختلاس و امانت آن، مزید بر علت می باشد (قانون اساسی، اصول ۴۳-۵۰). بدیهی است در صورتی که قرار باشد، قانون اساسی در ایران پیاده شود یا مقررات شریعت مدون در قوانین سایر کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد، اجرای اقتصاد اسلامی، در اولویت اساسی قرار خواهد داشت.

## ۲-۵- موفقیت کارکرد الگو یا قرائتی از اقتصاد اسلامی در صدر اسلام

یک زمینه دیگر اجرای اقتصاد اسلامی، موفقیت کارکرد این پارادایم اقتصادی در صدر اسلام می باشد. با وجودی که اقتصاد صدر اسلام در یک دایره کوچک و با مسائلی بسیار ساده همراه بوده است؛ اما در هر حال اجرای مناسب آن نیازمند طراحی الگو و نظام خاصی می باشد که در آن عصر انجام گردیده است. گزارش های فراوانی از موفقیت کارکرد مذکور از سوی محققان مختلف (مسلمان و غیر مسلمان) و حتی منتقدان اقتصاد اسلامی ارائه شده است. برخی از نوشته ها اثبات می کنند که این کارکرد موفق حکایت از طراحی یک سیستم کارآمد و همه جانبه در صدر اسلام در قرون ۷ و ۸ میلادی می کند (صدر، ۱۹۸۵). برخی دیگر به آثار مثبت آن نظام و کارکرد آن در درون تمدن اسلامی تا آستانه قرن ۱۴ میلادی اشاره دارند (قران،<sup>۲</sup> ۱۹۹۷) و برخی دیگر کارآمدی اقتصاد صدر اسلام را معلول کارآمدی دین اسلام در ارائه یک نظام اقتصادی موفق

<sup>۱</sup> Kahf

<sup>۲</sup> Kuran



قلمداد می‌نماید (رودینسون،<sup>۱</sup> ۱۹۷۳). استخراج سازوکارهای اقتصادی آن عصر و کشف دینامیزم مربوطه جهت استفاده از برخی از آنها در دنیای معاصر می‌تواند کمک مناسب و مؤثری در طراحی نظام‌های کارساز اقتصادی در دنیای امروزی محسوب گردد (حسن الزمان،<sup>۲</sup> ۲۰۰۳).

## ۲-۶- موفقیت نسبی آزمون ابعادی از اقتصاد اسلامی در دنیای معاصر

با وجودی که تلاش عملی و همه‌جانبه برای اجرای قابل قبول اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است، ولی ابعادی از آن در مواردی اجرا شده و نتایج نسبتاً موفقی از خود نشان داده است. زمینه‌های اجرا عمدتاً در حوزه‌های پولی و مالی و در راه اندازی بانک داری بدون ربا و مؤسسات مالی مشابه بوده است (چاپرا،<sup>۳</sup> ۲۰۰۰). زمینه اجرای قرض الحسنه و بانکداری بدون ربا به طور محدود در بسیاری از کشورها از ۱۹۵۰ به بعد فراهم بوده است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ توسعه بیشتری در این رابطه گزارش شده است. ورود پاکستان به بانکداری بدون ربا به میزان نسبتاً وسیع، اجرای نسبی عقود شرعی در نظام بانکی ایران، تداوم شکل‌گیری سازمان‌های کوچک و بزرگ پولی و مالی اسلامی در برخی دیگر از کشورها مثل عربستان، مصر، سودان، اندونزی، مالزی، کویت، بحرین، لبنان، سوریه و اردن از این نمونه می‌باشد (پرسلی،<sup>۴</sup> ۱۹۹۰). عدم موفقیت همه‌جانبه، بانکداری بدون ربا (در ایران و برخی از دیگر کشورهای اسلامی) لزوماً به معنای ضعف نظریه‌های پولی و مالی در اسلام نمی‌باشد؛ بلکه عدم استخراج دقیق قواعد و نظریه‌های مربوطه، عدم آشنایی کافی کارکنان بانکی با تبیین و اجرای آنها، عدم بازنگری قوانین مربوطه پس از بروز دشواری‌ها و سؤالات جدید، عدم شناخت آن قوانین از سوی سپرده‌گذاران، فقدان شفافیت برخی از قوانین و بعضی از امور مشابه، عوامل اصلی این پدیده به حساب می‌آیند (دادگر،<sup>۵</sup> ۲۰۰۳). در عین حال برخی از واحدهای مذکور در

<sup>۱</sup> Rodinson

<sup>۲</sup> Hasanozaman

<sup>۳</sup> Chapra

<sup>۴</sup> Pressly

<sup>۵</sup> Dadgar

ایران و بسیاری از واحدهای مشابه در بعضی از دیگر کشورهای اسلامی و حتی برخی از کشورهای غیر اسلامی، پاسخ عملی مناسبی به کارکردهای غیر ربوی داده اند.<sup>۱</sup>

## ۲-۷- اجتهاد پویا جایگزینی برای دنیای متکثر اندیشه ها در قرن ۲۱

علاوه بر موارد یادشده، ضرورت بروز دیدگاه های بدیل اقتصادی در قرن ۲۱، با توجه به حضور وسیع جوامع اسلامی، امری واضح می باشد. در حال حاضر در جهان بیش از ۵۷ کشور اسلامی وجود دارد که بزرگترین تشکل پس از سازمان ملل محسوب می شوند (دادگر، کلانتری ۱۳۸۲). همچنین بروز نگرش های تجدید نظر شده از اندیشه های سرمایه داری و سوسیالیسم، ظهور تفکرات دین و اقتصاد از مسیحی و یهودی گرفته تا بودایی و امثال آن، نشانه شکل گیری مکاتب و تحولاتی جدید در عرصه اندیشه ها و تفکرات متکثر است و اسلام نیز حداقل می تواند یک مکتب اقتصادی در کنار دیگر مکاتب تولید نماید. وجود دشواری های موجود در امور اقتصاد برخی از کشورهای اسلامی که از الگوهای غیر اسلامی تبعیت می کنند نیز می تواند زمینه های دیگری برای توجه به اجرای اقتصاد اسلامی در این کشورها دانسته شود.

## ۳- چالش ها و موانع اجرای اقتصاد اسلامی

در این جا نیز همانند بخش قبلی به مهمترین چالش ها و موانع اجرای اقتصاد اسلامی به صورتی فهرست وار اشاره می کنیم.

### ۳-۱- وجود چالش های وجود شناختی، معرفت شناختی و متدولوژیک

با وجود گسترش ادبیات موضوع و با وصف اجرای ابعادی از اقتصاد اسلامی و با عنایت به دغدغه جدی بسیاری از محققان، موضوع هنوز برای بخش قابل توجهی از اهل اقتصاد به درجات مختلفی شفاف نمی باشد (قران، ۱۹۹۷)؛ به این صورت که برخی با وجود پذیرش مفادی کلی از این رشته، بر دشواری اجرای اقتصاد اسلامی تأکید دارند. عده ای در مورد علمی بودن و علمی نبودن آن شک دارند (صدر، ۱۹۸۵). گروهی حتی در اصل وجود و ماهیت آن تردید دارند (دادگر، ۱۳۸۱). بدیهی است تا زمانی که این

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه رئیس بانک مرکزی انگلستان در سال ۲۰۰۲ (پل میلز) اذعان کرد که برای ما ثابت شده است که اجرای آزمایشی قواعد مالی مضاربه می تواند کارآیی بسیار بالایی در بانکداری انگلستان دارا باشد.

وضعیت برای مدرسان و محققان اقتصاد وجود داشته باشد، موضوع برای دانشجویان و مردم عادی از دشواری بیشتری برخوردار است. پر واضح است که سیاست گذاران و مدیران اقتصادی جامعه که باید پیام سیاست مورد عمل خود را از صاحب نظران اقتصادی دریافت کنند، در این اوضاع و احوال، اگر با بی توجهی نسبت به اقتصاد اسلامی برخورد نکنند، حداقل در یک سردرگمی نسبت به آن قرار خواهند گرفت. در هر صورت این عدم شفافیت و سردرگمی می تواند مانع بالقوه مؤثری در اجرای اقتصاد اسلامی محسوب گردد.

### ۳-۲- ناسازگاری نظام آموزش رسمی اقتصاد

نظام آموزش اقتصاد در جامعه هم پشتوانه علمی برای تحقیق و گسترش ادبیات مربوطه را فراهم می سازد و هم زمینه تربیت کارشناسان و مدیران اقتصادی در عرصه مورد نظر را فراهم می آورد (ولف،<sup>۱</sup> ۱۹۸۴). نظام های آموزش رسمی اقتصاد در کشورهای اسلامی، قرابت معنی داری با اقتصاد اسلامی ندارند. این ارتباط حتی در جمهوری اسلامی ایران که ادعای اجرای نظام اجتماعی اسلام را در همه ابعاد دارد، بسیار کم رنگ می باشد. در نظام آموزش اقتصاد در ایران، علاوه بر ناکارآمدی خود قرائت مرسوم در رشته اقتصاد (که نزدیک به ۳۵ سال است مورد تحول اساسی قرار نگرفته است)،<sup>۲</sup> در برخی از رشته های اقتصاد نظری تنها پنج واحد در مقطع لیسانس و سه واحد در مقطع فوق لیسانس در زمینه اقتصاد اسلامی وجود دارد. جالب توجه است که سر فصل های مدون شده برای همین دروس محدود، نحوه رایه آنها، متون درسی و مدرسان دروس مربوطه نیز از ناکارآمدی های قابل توجهی برخوردار هستند. بدیهی است که تولیدات مربوط به این فضای آموزشی خاص از کارآمدی کافی برخوردار نخواهد بود. ذهنیت ایجاد شده از اقتصاد اسلامی برای دانشجویان رشته اقتصاد نیز چالش مهم دیگری در این ارتباط خواهد بود و در نتیجه نمی توان انتظار قابل قبولی را از اجرای اقتصاد اسلامی (حداقل از منظر پیوند نظام آموزشی) داشت.

<sup>۱</sup> Wolf

<sup>۲</sup> با وجودی که برنامه آموزشی اقتصاد در بسیاری از کشورهای پیشرفته (بویژه پس از دهه ۱۹۷۰) هر چند سال (و گاهی سالانه) مورد بازنگری قرار گرفته و می گیرد، و حتی رشته های جدیدی تولید می گردد، در ایران از سال ۱۳۴۸ شمسی (۱۹۶۹ میلادی) تا کنون برنامه آموزش رسمی اقتصاد دستخوش تحولی جدی نشده است.

### ۳-۳- فقدان ارتباط مؤثر با دیگر ابعاد زندگی مردم

یک دشواری دیگر که می تواند سدی در مقابل پیشرفت در اجرای اقتصاد اسلامی محسوب گردد، فقدان ارتباط مؤثر یا عدم درک ارتباط اقتصاد اسلامی با دیگر ابعاد زندگی واقعی مردم است. این موضوع را به عنوان یک واقعیت تلخ اثباتی در نظر داریم و معتقدیم آنگونه که اقتصاد اسلامی به طور بالقوه با زندگی، مرتبط است، به طور بالفعل، چنین نیست. این واقعیت، زمینه مشکل ساز دیگری است که مانع پیشرفت عملی در اجرای اقتصاد اسلامی می گردد؛ زیرا کارگزاران اقتصادی در درجه اول، دغدغه عناصر مختلف زندگی مادی خود را دارند و در این ارتباط به طور روشن جایگاهی برای آگاه بودن یا نا آگاه بودن نسبت به اقتصاد اسلامی نمی یابند. مردم بین فعالیت های عمومی خود شامل دریافت ها، پرداخت ها، امور رفاهی، امور آموزشی، بهداشتی، امور مسکن، تحصیل فرزندان، مسافرت و حتی استقراض از بانک و امثال آن از یک سو، و اقتصاد اسلامی از سوی دیگر ارتباط بخصوصی را شناسایی نمی کنند؛ بنابراین تنها گروهی از اهل اقتصاد که نوعی علاقه دینی همه جانبه دارند از خود می پرسند که آیا امکان دارد اسلام چارچوب اقتصادی مشخصی نداشته باشد. بر همین اساس، اقتصاد اسلامی با وجود ظهور کلی در اذهان عمومی، به شکل یک نهاد اجتماعی محقق نشده است و این امر حداقل باعث کندی اجرای آن خواهد شد.

### ۳-۴- رقابت غیر هم وزن نظریه اقتصاد اسلامی با دیگر نظریات اقتصاد متعارف

نظریات اقتصاد متعارف (به غلط یا به درست، کارآمد یا ناکارآمد) در حال حاضر ابعاد وسیعی از مجاری علمی و سیاست گذاری اقتصادی در اکثر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را به خود اختصاص داده است. متون آموزشی این رشته در کشورهای مذکور بر همین مبنا به پیش می رود و در ذهن دانشجویان با القانات مشخصی از پارادایم مسلط اقتصاد (بویژه قرائت نئوکلاسیک) همراه می باشد. دایرة تحقیق و ارزیابی آموزشی اعتبار علمی پایان نامه های دانشجویی، کارآمدی پروژه ها و مقالات اقتصادی، آرایه مشاوره به سیاست مداران و سیاست گذاران، همه و همه از همین خاستگاه بر می خیزد (تودارو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰) و در عین حال در کنار دریای خروشان قرائت مسلط، جویبارهای ضعیفی با نام اقتصاد اسلامی با هزاران دشواری، مسیرهای کم و بیش آشنایی را می

<sup>۱</sup> Todaro

پیمایند. انسجام ریاضی و هندسی مدل های پارادایم مسلط (که در جای خود ارزش مستقل خود را دارا می باشد)، جاذبه نسبی علمی و ادعای ارایه رهنمودهای صحیح عملی و قدرت پیش بینی های واقعی اقتصادی در پارادایم فوق، وجود هر زیر رشته فرعی چون اقتصاد اسلامی را تحت الشعاع قرار می دهد. به همراه این امر، کارشناسان و مدیران و محققان و حتی گروهی از علاقه مند ان اقتصاد اسلامی، نسبت به این رشته (در مقایسه با پارادایم مسلط) احساس ضعف و در مواردی حتی احساس حقارت می نمایند و این امر تأثیر قابل توجهی در اجرای اقتصاد اسلامی خواهد داشت (ابوالحسن،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰).

### ۳-۵- فقدان سرمایه گذاری کافی و فقدان برنامه ریزی استراتژیک

در حال حاضر چه در زمینه تبلیغ و شناسایی رشته اقتصاد اسلامی و چه در معرفی ابعاد اساسی آن و چه در ارتباط با پیوند آن با دیگر عناصر نظام اسلامی، هیچ عزم جدی کارسازی وجود ندارد. کارآمد سازی و نزدیک ساختن یک معرفت علمی با اجرا، در درجه اول نیازمند تأمین زیر ساخت های اساسی و در مرحله دوم محتاج تدوین نوعی برنامه ریزی استراتژیک میان مدت و بلند مدت می باشد و سرانجام به عناصر کنترلی و نظارتی کارآمدی نیاز دارد که پیشرفت کار را مطالعه کرده، دشواری های احتمالی را حل و فصل نماید و دورنمای پیشرفت مراحل بعدی را مشخص نموده، مورد حمایت قرار دهد. تأمین هزینه پروژه های تحقیقاتی، پشتیبانی از رساله ها و تزه های دانشجویی، تدارک کارگاه ها و سمینارهای مورد نیاز، نمونه ای از اقدامات ضروری در این عرصه محسوب می شود. نظام رسمی تبلیغاتی کشور و رسانه هایی که از بودجه عمومی تغذیه می شوند، نقش فراگیرتری را به عهده خواهند داشت. تغذیه مرتب و هماهنگ تبلیغی جهت ایجاد ذهنیت و فرهنگ سازی برای شکل گیری رشته های علمی نوپا بسیار ضروری است. در هیچکدام از موارد یاد شده، فعالیتی شایان ذکر در جوامع اسلامی (و از جمله ایران) صورت نگرفته است (فهیم خان،<sup>۲</sup> ۱۹۸۳). بنابراین با وجود آنچه گفته شد، انتظار اجرای اقتصاد اسلامی نیز خیلی معقول نمی باشد.

<sup>۱</sup> Abulhasan

<sup>۲</sup> Fahimkhan

### ۳-۶- دشواری های سازمان دهی و هماهنگی

کارآسدی اقتصاد اسلامی هم از جنبه نظری و هم از لحاظ اجرایی وقتی محقق می شود که اقتصاد اسلامی در یک قالب نظام وار پیش رود؛ به عبارت دیگر امکان اجرای موفق یک بخش از اقتصاد اسلامی، بدون سازگاری و همراهی دیگر بخش های آن وجود ندارد (دادگر، ۱۳۸۳). به نظر می رسد یک علت اساسی عدم موفقیت اجرای بانکداری بدون ربا در برخی از کشورها (به عنوان نمونه در جمهوری اسلامی ایران) فقدان رابطه نظام مند آن با دیگر ابعاد اقتصادی و سایر زیر نظام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می باشد. گذشته از این، اجرای اقتصاد اسلامی در جوامع اسلامی به نوعی هماهنگی های مدیریتی، سازمانی و تشکیلاتی منظم در بدنه سیستم عمومی آن کشورها نیاز دارد؛ در حالی که وضع موجود در جوامع اسلامی حکایت از فقدان آنها دارد این امر به عنوان یک مانع مؤثر در اجرای اقتصاد اسلامی عمل می کند.

### ۳-۷- تفاوت کارکرد اقتصاد کشورهای اسلامی و نظریه اقتصاد اسلامی

یک سوء تفاهم بسیار مؤثر در ارتباط با اجرای اقتصاد اسلامی، پیوند دادن ضعف کارکرد اقتصاد کشورهای اسلامی با ضعف ساختاری نظریه اقتصاد اسلامی می باشد. این امر معمولاً در قالب پیوند کلی درک و عمل متدینین نسبت به دین و تفاوت درک درست یا نادرست واقعیت نظری دین، و درست یا نادرست عمل کردن به دین نیز مورد بحث واقع می شود. جدا کردن این دو موضوع از نظر منطقی بسیار ضروری است. آنچه متدین ها از دین درک می کنند و به درک خود عمل می کنند، لزوماً منطبق بر حقیقت نظری و واقعیت عملی دین نمی باشد. شاید به این خاطر است که تامس مور فیلسوف مشهور می گوید: ای کاش ما بر مبنای اندیشه حضرت مسیح پیش می رفتیم، نه بر اساس تانکر مسیحی ها؛ و شاید به همین دلیل هم باشد که سید جمال الدین اسد آبادی در پاسخ به یک محقق خارجی می گوید: الاسلام شیء و المسلمون شیء آخر.

برای آسیب نرساندن این سوء تفاهم به اقتصاد اسلامی، مناسب است که حکومت ها و نظام های اجتماعی موسوم به اسلامی به جای ادعای ارائه درک کامل و اجرای کامل اصول، دینی و دیگر عناصر اصلی دین، تنها ادعای درک و عمل به الگوها و قرائت های خاصی از اندیشه و کارکرد دین را بنمایند، تا شکست و عدم موفقیت آن الگوها و قرائت ها به کل نظریه و کارکرد دین تسری نیابد. بدیهی است اسلامی که جایگاه عدالت آن در

سلسله علل احکام است و عدم تحقق عدالت در آن با عدم تحقق دین برابری می کند، نمی تواند. بر بی عدالتی های فراوان در اقتصاد و اجتماع کشورهای موسوم به اسلامی امروز دنیا منطبق باشد. اسلامی که با هر نوع مظهر فقر و بیکاری، بی انصافی، اسراف، تبذیر، رشوه خواری، رباخواری و دیگر مفاسد اقتصادی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی مخالف است، نمی تواند امضاء کننده انواع فقر، فساد، بی عدالتی و بی انصافی، حیف و میل بیت المال، ارتکاب انواع معاملات ربوی، رانت جویی غیر موجه، پول شویی و امثال آن در جوامع مذکور باشد.

#### ۴- ملاحظات پایانی

با توجه به مطالب مذکور در بخش های سه گانه قبلی، بر سلسله نکات کلی زیر تأکید می کنیم.

۱- اقتصاد اسلامی به عنوان پارادایمی در کنار دیگر پارادایم های اقتصاد متعارف در حال حاضر از مجموعه ادبیات قابل توجهی برخوردار می باشد. در مواردی از آن، نظریه های علمی قابل قبولی استخراج شده اند و برخی از نظریه های آن نیز به صحنه عمل آمده اند که گروهی از آنان به موفقیت هایی دست یافته اند (چاپرا، ۲۰۰۰).

۲- اقتصاد اسلامی از نظر اجرا در حال حاضر توفیقات بسیار اندکی داشته است، در حالی که ظرفیت های علمی و نظریه پردازی قابل توجهی دارد. همچنین اقتصاد اسلامی با اندیشه و آرمان های بسیاری از مردمان ساکن در بیش از ۵۷ کشور در سطح دنیا مرتبط می باشد و برخی از نظریه های آن (بویژه در امور مالی و پولی)، در تعدادی از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نیز اجرا شده است (نیهاود،<sup>۱</sup> ۱۹۸۵).

۳- مردمان جوامع اسلامی انتظار اجرای اقتصاد اسلامی را در کشور خود دارند و گروه هایی از صاحب نظران اقتصادی به موفقیت اجرای آن امیدوار هستند. اقتصاد های موجود اکثریت کشورهای اسلامی که بر مبنای الگوهای غیر اسلامی اداره می شوند، از ناکارآمدی و عقب ماندگی رنج می برند. در برخی از کشورهای اسلامی (مثل پاکستان، افغانستان، عربستان، مالزی و بویژه ایران)،

<sup>۱</sup> Niehaud

کلیات و اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی حتی در قانون اساسی و در برخی از فواین عادی مورد تأکید قرار گرفته اند. این امور می توانند زمینه های اولیه مناسبی حداقل به صورت آزمایشی برای اجرای اقتصاد اسلامی محسوب شوند (JAIE, ۲۰۰۲).

۴- با وجود زمینه های گفته شده یک سلسله نارسایی ها مانع اجرای اقتصاد اسلامی به میزان قابل قبول در کشورهای اسلامی گردیده است. فقدان اجماع بین کارشناسان این رشته، فقدان عزم مدیران و سیاست گذاران، کم توجهی، بی توجهی یا غفلت بدنه قانون گذاری و نظام آموزشی نسبت به موضوع، سیطره پارادایم اصلی اقتصاد متعارف، فقدان شفافیت و استقلال اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف، دشواری های سازمانی، مدیریتی، تبلیغاتی و فرهنگ سازی، خلط کارکرد دین داران با نظریه اقتصاد دینی و موارد مشابه را می توان از نمونه نارسایی های فوق برشمرد.

۵- به نظر می رسد در صورت عزم حقیقی و جدی سیاست گذاران مؤثر بر امور اقتصادی کشور، با بسیج یک مجموعه عناصر و دستگاه های هماهنگ بتوان حداقل در میان مدت، الگو یا قرائت معینی از اقتصاد اسلامی را در جامعه پیاده کرد. در اینجا ابعاد و عناصر و ساز و کارهای لازم جهت اجرای یک الگو و قرائت خاص از اقتصاد اسلامی را در ایران (با هر کشور اسلامی دیگر) می توان به صورت زیر فهرست نمود.

### اول- تشکیل یک کمیته صاحب اختیار

اولین قدم برای به عمل رساندن اقتصاد اسلامی، شکل گیری هسته ای از برجسته ترین مدیران و کارشناسان اقتصادی و اقتصاد اسلامی می باشد که نوعی برنامه ریزی استراتژیک را در رابطه با صورت بندی و اجرای اقتصاد اسلامی طراحی نمایند. نخستین وظیفه این کمیته سیاست گذاری، انجام نوعی ارزیابی جامع از روند قانونی، آموزشی، پژوهشی و احیاناً اجرایی این رشته (در حال حاضر) می باشد. هدایت و پیگیری در به تصویب رساندن دروسی از این رشته برای اجرا در تمامی رشته های علوم اقتصادی در کلیه مقاطع، وظیفه دیگر این کمیته می باشد؛ مثلاً وارد کردن و به تصویب رساندن عناوینی چون کلیات و اصول اقتصاد اسلامی، مطالعه تطبیقی نظام اقتصادی اسلام و



بانکداری اسلامی هر یک به میزان ۳ واحد در سطح لیسانس؛ فلسفه اقتصاد اسلامی و مالیه عمومی از منظر اسلام هر یک ۳ واحد در مقطع فوق لیسانس؛ روش شناسی اقتصاد اسلامی و اندیشه اقتصادی متفکران مسلمان هر یک ۳ واحد در مقطع دکتری می تواند به عنوان پیشنهاد اولیه و به عنوان اولین اصلاحیه در نظام آموزشی اقتصاد کشور محسوب گردد. تشکیل و حمایت از ایجاد مراکز پژوهشی اقتصاد اسلامی، انتشار کتب و مقالات، شکل دهی بانک اطلاعات، هدایت، حمایت و راه اندازی پژوهش ها، سمینارها و نشست های تخصصی و نظارت و بازنگری پیشرفت کار در عرصه های مذکور بخش دیگری از کار این کمیته است.

### دوم- سیاست گذاری مجامع قانونی و رسمی

لازم است یک سلسله مراکز که در رأس آنها مجلس شورای اسلامی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری قرار دارند، با همکاری با کمیته منتخب جهت تسهیل پیشرفت کار و تقویت روند اصلاحات در نظام آموزشی اقتصاد به اجرای اقتصاد اسلامی مبادرت ورزند. توصیه می شود که وزارت علوم و تحقیقات طی ابلاغ رسمی، مؤسسات آموزش عالی (دولتی یا خصوصی) را موظف سازد تا هنگام برگزاری امتحان ورودی در مقاطع فوق لیسانس و دکتری، مواد درسی اقتصاد اسلامی نیز گنجانده شوند. همچنین مناسب است مجلس شورای اسلامی قوانینی را در راستای تقویت این نهاد به تصویب برساند.

### سوم- انضباط فرهنگی و نظارت تبلیغاتی

لازم است نظام تبلیغات رسمی با هماهنگی کمیته منتخب، برنامه هایی هدف مند در مسیر تقویت رشته جدید در همه ابعاد تدارک و اجرا نماید. لازم است که این رسانه همچنین نوعی برنامه میان مدت در راستای فرهنگ سازی در جامعه در عرصه اقتصاد اسلامی طراحی و اجرا نماید.

### چهارم- تعامل سازگار با دیگر کشورها و سازمان ها

لازم است دفاتر و مقامات رسمی کشور، هنگام مذاکره با همتای خارجی خود به ملاحظات اقتصاد اسلامی توجه نمایند. وزارت اقتصاد و بازرگانی و بویژه نظام بانکی و پولی پس از تجدید نظر در وضع موجود معاملات و مبادلات داخلی و خارجی، اصلاحات لازم را جهت اسلامی شدن سیاست ها و برنامه های خود انجام دهند. مدیران و سیاست

گذاران اقتصادی با همفکری و همکاری کمیته منتخب در مورد سازگاری برنامه های خود با اقتصاد اسلامی، تقاضای مشاوره رسمی نمایند. در هر حال استفاده از یافته ها و تجارب کشورهای اسلامی در اجرای بعضی از عناصر اقتصاد اسلامی می تواند مفید باشد.

### پنجم - نظارت و ارزیابی

مناسب است برنامه مذکور در یک زمان بندی معین مورد اجرا و ارزیابی ( و حتی در صورت لزوم در یک قالب آزمون و خطا) قرار گیرد. شش ماهه اول می تواند به تعریف مسأله، برنامه ریزی، سیاست گذاری، شناسایی موانع و زمینه های اجرا و فراهم کردن لوزم اولیه اختصاص یابد؛ سپس برنامه به صورت آزمایشی و برای یک سال به اجرا در آید. حتی می توان در این رابطه یکی از استان های کشور را به عنوان پایگاه آزمایشی اولیه (pilot) انتخاب نمود. بدیهی است در ضمن اجرا، کمیته منتخب به بررسی پیشرفت کار و حل و فصل دشواری های احتمالی خواهد پرداخت؛ سپس در سال دوم اصلاحات لازم صورت گرفته، برنامه میان مدت و بلند مدت مربوط به آن تدوین و اجرا گردد. وجود انضباط مدیریتی، عزم شفاف و جدی مدیران ارشد به همراه نیت خالص همه دست اندرکاران اقتصاد اسلامی قهرأ حمایت ویژه خداوند بزرگ را نیز به همراه خواهد داشت و در هر حال عمل کرد سازگار مدیران و سیاست گذاران، مهمترین عامل تبلیغی برای موفقیت اقتصاد اسلامی خواهد بود زیرا گفته شده است که: کونوا دعائاً للذس بغیر السنتمکم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه، بیروت، احیاء التراث، بی تا.
- امام خمینی، روح الله، کتاب بیع، ج ۲، قم، نشر اسماعیلیان، بی تا.
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب مکاسب، ج ۶، اعداد لجنه تحقیق، بیروت، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰.
- بی نام، عدالت اجتماعی، مجموعه مقالات اقتصاد ملی، بزرگداشت استاد عالی نسب، ۱۳۸۳.
- پرسلی، جبی و میلز، پ، ابزارهای تأمین مالی در اسلام، ترجمه یداله دادگر و اسحاق علوی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۲.
- دادگر، یداله و کلانتری، بازار مشترک کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات دانشکده شهید محلاتی، ۱۳۸۲.
- دادگر، یداله و عزتی، مرتضی، "بررسی رابطه مذهب و رفتار مصرف کننده دینی"، نشریه نامه مفید، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۳۸۱، صص ۱۰۰-۷۷.
- دادگر، یداله، چیستی اقتصاد اسلامی و چگونگی عناصر محوری آن، مجموعه مقالات ماهیت اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
- دادگر، یداله، "مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصاد سیاسی اسلام"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۳۸۳، صص ۱۳-۱.
- سن، آمارتیا، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۷۷.
- صدر، محمد باقر، اقتصاد نا، بیروت، دارالتعارف، ۱۹۸۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری سبا، ۱۳۷۶.
- مطهری، مرتضی، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۲.
- کوران، ت. (۱۹۹۷)، توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی، "ترجمه یداله دادگر، مجله نقد و نظر، شماره ۹، ۱۳۷۵.
- Abulhasan, S., *Economic Development in Islam*, Kualalumpur, Planduck Publication, 1990.
- Chapra, M., *International Monetary Reforms*, Cheltenham, Edward Elgar, 2002.
- Chapra, M., *Regulation and Supervision of Islamic Banks*, IDB, 2000.
- Choudhury, M. and Abdolmalik, U., *The Foundations of Islamic Political Economy*, Hong Kong, Macmillan, 1992.
- Dadgar, Y., "Interest Free System and Sustainable Development," *Conference Papers, Bahrain*, 2003.
- Fahimkhan, M. et al., *Fiscal Policy and Resource Allocation in Islam*, Jadah, King Abdolaziz University, 1983.
- Hasanozaman, S., *State Responsibility in the Early Islamic Era*, IDB, 2002.

- Kahf, M., Zakat Management in Some Moslem Countries, IDB, 2000.
- Kosloswski, P., Principles of Ethical Economy, Cluwer publishers, 2001.
- Kuran, T., Islam and Underdevelopment, Institute and Economic Theory, 1997.
- Nienhaus, V., "Perspectives of Islamic Banking," Intereconomics, Vol. 20, No. 5, 1985, pp. 233-38.
- Rodinson, M., Islam and Capitalism, N.Y., Pantheon Book, 1973.
- Siddiqi, N., Economic Enterprise in Islam, Delhi, Maktab Islam, 1979.
- Singer, H., and J., Ansari, Rich and Poor Countries, Boston, George Allen and Unwin, 1982.
- Smelser, J., The Sociology of Economic Life, New Delhi, Prentice Hall of India, 1988.
- Smith, A., The Theory of Moral Sentiments, Cambridge University press, 2002.
- Todaro, M., Economic Development, N.Y., Addison Wesley, 2000.
- Wolf, R., Evaluation in Education, London, Praeger, 1984.
- Ordinance, Zakat and Ushr, Islamabad, Ministry of Religious Affairs, 1980.
- Zarghah, M., "Consumption in Islamic Framework," Islamic Economic Conference, Jeddah, 1982.

شوریه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Potentialities and Challenges of Implementation of Islamic Economy

Yadollah Dadgar (Ph.D.)\*

### Abstract:

This paper presents some primary concepts to investigate the necessary background and obstacles for the implementation of Islamic economy. The main aim of the paper is to explain the major bottlenecks, which are responsible for malfunctioning of Islamic economics as well as to show the potential of Islamic economics to manage the economy. The methodology is mainly descriptive analysis using the existing information. The findings indicate that despite the executive potential of Islamic economics, the performance of Islamic economy has not been acceptable. The factors which are responsible for such a malfunctioning are exogenous and have nothing to do with the structures of the Islamic economic theories.

**Keywords:** obstacles of Islamic economics, potential of Islamic economics, implementaion of Islamic economy

---

\* Assistant professor of economics, Mofid University, Qum



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي مرکز